نگاهی به عکس‌های برنده جایزه پولیتزر امسال

پدری که تازه متوجه مرگ پسرش شد

خانواده در جایزه عکاسی پولیتزر امسال نقش اساسی داشت. خانواده‌ای که دچار آسیب شده است و جهان در پی کمک به اوست. در بخش Feature Photography اما یک عکاس آزادکار به نام دانیل برهولاک به خاطر عکس‌هایی که برای نیویورک تایمز از همه‌گیری ابولا در غرب آفریقا تهیه کرده بود، برنده اعلام شد. او به خانواده و آشفتگی زنان، مردان و کودکان پرداخته بود. هراس را می‌شد در خانه‌ها دید. علیرغم اینکه ما در اخبار در مورد کشتار این بیماری مهلک خوانده بودیم، اما دیدن این عکس‌ها و مثلا عکسی که در آن پدری، تازه متوجه مرگ پسرش شده است، ما را بهتر با عمق فاجعه آشنا می‌کند.

نگاه

مدرسه تکرار جرم یا از دست‌دادن کانون خانواده؟

یکی از مسائل اساسی فرد زندانی، مشکلاتی است که در غیاب و محبوسی برای خانواده اتفاق می‌افتد. در صورت زندانی‌شدن یک فرد نه‌تنها آثار سوء حادث می‌شود بلکه افراد و گروه‌های مختلفی از این امر متاثر می‌شوند. اولین فردی که زندان بر او اثر منفی داشته، خود زندانی است و در مراحل بعدی خانواده و جامعه از این امر متاثر می‌شوند. «دورکیم» جامعه‌شناس فرانسوی نیز معتقداست، مجازات نقش مفیدی ندارد و تنها در موارد معدودی ممکن است به‌طور مستقیم در تنبیه مقصر یا ارعاب دیگران موثر واقع شود. در یک دیدگاه کلی می‌توان اذعان کرد که زندان متاثر از شرایط عینی شامل زمینه خانوادگی، اشتغال، بیکاری، آموزش و یادگیری فنون ارتکاب جرم و... است. توضیح این که از هم گسیختگی‌های خانوادگی به‌صورت طلاق، بی‌سرپرستی، دوری از خانواده، فقدان همانندسازی لازم با خانواده، عدم پذیرش و طرد شدن از خانواده و... در خانواده‌های زندانیان جلوه‌گر می‌شود. علاوه‌بر موارد یاد شده، ورود به زندان منجر به تغییر درمنابع و هزینه‌های می‌شود.

زندانیان با از دست‌دادن شغل خود، باعث پایین‌آمدن سطح زندگی خویش می‌شوند و احتمال به‌دست آوردن شغل مناسب بعد از آزادی از زندان کاهش می‌یابد، در نتیجه سبب از دست دادن ابزار مشروع کسب می‌شود. اگر چه در زندان‌ها برنامه‌های فرهنگی، ورزشی، تفریحی و خدمات اشتغال‌زایی وجود دارد تا به‌نوعی اوقات آنها پر شود ولی بار دیگر چه شرایطی ایجاد می‌شود که به‌جای یادگیری موارد مثبت، فرد مجرم با میزان بالایی از جرایم فراگرفته شده در زندان این محیط را ترک می‌کند و به‌جا است که «مارک آنسل» می‌گوید: زندان ضمن آن که باید ابزار اصلی واکنش در برابر بزهکاری باشد از همان آغاز به صورت یک مدرسه تکرار جرم بوده به‌به آن تبدیل شده است.

راهکارها و پیشنهادها:

ارتباط با کانون وکلا توسط مددکاران و دعوت از ایشان جهت پاسخگویی به سؤالات قضایی مددجویان و ارایه راه‌حل قضایی و در صورت متمکن بودن مددجویان و توان مالی ایشان، دادن وکالت به وکلا.

- ارتباط مستقیم مددکاران و ادارات فرهنگی از طریق سایت اینترنتی یا ستاد مرکزی دیه و سایر مراکز مورد نیاز جهت تصریح در امر ارتباط یابه‌روزشدن آن.

- دعوت از خبرین از طریق درج مقالات و روزنامه‌ها و طرح مشکلات مددجویان نیازمند و نیاز اطلاع‌رسانی مستمر از فعالیت مددکاران زندان توسط رادیو محلی مخصوص شهرستان‌ها.

- نهادینه کردن مرخصی طولانی‌مدت برای مددجویان مالی از طریق طرح مشکل مددجو و برنامه‌های فرهنگی و مشاوره‌ای و ارتباط حمایتی از خانواده زندانی.

در این زمینه مددکاران و مسئولان فرهنگی زندان با آگاهی و تحقیق کامل به قاضی ناظر زندان جهت اعطای مرخصی می‌توانند اقدام کنند.

لازم به ذکر است، با توجه به اصل ارتباطات نیاز به کسب اطلاعات و اطلاع‌رسانی و وجود فناوری نوین در بخش سازمانی و اداری کاملا محسوس است که اگر سازمان زندان‌ها، ندامتگاه‌ها و زندان‌های کشور را در این مورد بی‌نیاز کند می‌توان به جرأت این واقعیت را که ادارات فرهنگی عقیدتی و مددکاران نقش انکارناپذیری را در کاهش جمعیت کیفری دارند را بیان کرد چراکه مددرسانی به زندانیان نیازمند در کمترین زمان ممکن گامی موثر در اصل کاهش جمعیت کیفری خواهدبود.

آسیب‌شناسی

رسیدگی به مجرم یا رسیدگی به خانواده جرم‌خیز؟

در «جرم‌شناسی» و بررسی علمی جرایم، توجه به «قربانی» و «قربانی‌شناسی» جایگاه ویژه‌ای داشته و علاوه‌بر جرایم و مجرمان آنچه مورد مطالعه قرار می‌گیرد، قربانیان جرایم است. با توجه به این که بیشتر فعالیت‌های مربوط به موادمخدر به‌وسیله افراد عادی و گروه‌های محروم جامعه انجام می‌شود، بنابراین دستگیری و زندانی‌شدن این افراد تأثیر جدی بر «کیفیت زندگی» خانواده‌های آنها خواهد گذاشت و اعضای این خانواده‌ها به‌عنوان قربانیان موادمخدر و مجازات زندان سرپرست خانواده هستند. نظریه کنترل اجتماعی بر این پیش‌فرض استوار است که در بررسی تأثیر زندان بر خانواده‌های زندانیان می‌بایست بر روابط درون خانواده و گرایش فرزندان به بزهکاری توجه کرد. وضعیت امرارمعاش خانواده، روابط اجتماعی اعضای خانواده، وضع تحصیلی فرزندان، نحوه جامعه‌پذیری فرزندان، بهداشت روانی خانواده، کنترل فرزندان و تمایل آنها به رفتار بزهکارانه به‌عنوان متغیرهای سنجش کیفیت زندگی، در مقایسه با قبل از زندانی‌شدن سرپرست خانواده تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

اکنون در بسیاری از نظام‌های جزایی، جانشین‌های گوناگون برای محکومیت به حبس در نظر گرفته شده است. از جمله بازداشت در منزل، آزادی محدود، آزادی با مجوز و دیگر شکل‌های بازداشت ناپیوسته، مجازات تعلیقی که دامنه آن از حبس تعلیقی تا عفو مشروط و طیف گسترده‌ای از اقدام‌های تعلیقی، آزادی تعلیقی و مشروط را در بر می‌گیرد.

جانشین‌هایی برای محکومیت‌های توفیقی که هم به سود خلافکار است و هم به سود جامعه، اجرای طرح خدمت به جامعه به‌جای رفتن به زندان، استفاده از مهندهای الکترونیکی به‌عنوان زنجیرهای نامرئی نشان می‌دهد که انسان در قرن حاضر در کیفرشناسی علمی خود به‌دنبال راه‌هایی می‌گردد که در آن اثری از زندان نباشد و به‌جای زندانی کردن مجرم از شیوه‌های جایگزین دیگری استفاده کنند.

اقتصاد منزل

انجام مشاوره

بعضی‌وقت‌ها شما بعضی از چیزها را نمی‌دانید. این عادی است. ما در دنیای امروز با تخصصی‌ترشدن هر چیزی مواجه هستیم. اقتصاد هم یکی از این تخصص‌هاست.

در برخی موارد خانواده‌ها در مدیریت اقتصادی خود از توان لازم برخوردار نیستند یا این که با مسائل و مشکلاتی مواجه می‌شوند که حل آن به تنهایی از عهده آنها برنمی‌آید. امروزه منابع و مراجع بسیاری با موضوع اقتصاد خانواده وجود دارد. از منابع بالقوه اطلاعات و مشاوره می‌توان به دوستان و آشنایان، اقوام، اعضای خانواده همکاران شغلی و... اشاره کرد.

ابتدایی‌ترین مرجع برای افزایش سطح دانش و آگاهی و به‌روز ماندن، کتاب و نشریات است. ارایه آموزش‌های لازم به فرزندان و ارتقای سطح عمومی دانش اقتصادی خانواده می‌تواند زمینه خوبی برای تصمیم‌گیری‌های صحیح اقتصادی فراهم آورد.

تلاقی

مراسم چای مردانه

آدم باید برنامه داشته باشد و منظم باشد و... اینها شعارهای خوبی است اما آیا ما مبادی این آداب هستیم؟ ثریا وقتی دید که شوهرش نامنظم و شلخته است، تصمیم به جدایی گرفت.

چندی پیش ثریا با مراجعه به دادگاه خانواده درخواست طلاق داد و در خصوص علت آن به قاضی گفت: آقای قاضی شوهرم خیلی شلخته است و اصلا کارهایش را مرتب و با نظم انجام نمی‌دهد.

زن جوان ادامه داد: همیشه باید کارهایی که می‌خواهد انجام دهد را به او گوشزد کنم اما باز هم از عهده آن کار بر نمی‌آید. همیشه وسایلش را گم می‌کند و کلی از پول‌هایش را هم از دست می‌دهد.

وی افزود: در خانه هم مرتب همه‌جا را کثیف می‌کند و من باید همیشه در حال تمیز کردن خانه باشم. وقتی هم به او اعتراض می‌کنم، عصبانی می‌شود و داد و بیداد به‌راه می‌اندازد. شوهرم حتی یک چایی هم نمی‌تواند برای خودش بریزد و این کار را من باید برایش انجام دهم.

زن جوان در ادامه گفت: وقتی چند ساعت در خانه تنها می‌مانم، آن‌جا را به میدان جنگ تبدیل می‌کند و اعصاب مرا خرد می‌کند. راستش دیگر از زندگی کردن در کنار این مرد شلخته و بی‌مسئولیت خسته شدم و تصمیم به جدایی گرفتم.

آیا زن راست می‌گوید؟ آیا شوهر تا به این حد وانهاده است؟ شما باشید چه حکمی می‌دهید؟